

## رفیق کوروش گلچوبیان

برای جنیش دانش آموزی سال 57 و پس از آن، کوروش گلچوبیان، نامی آشنا و به یاد ماندنی است.

رفیق کوروش در سال 1341 در یکی از شهرهای مازندران و در یک خانواده متوسط به دنیا آمد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در تهران طی کرد و سال 59 در دبیرستان آذر دیپلم گرفت.

رفیق کوروش از دوران نوجوانی فقر و نابرابری و جهل را به عنوان مظاهر ستم سیاسی و طبقاتی در میان توده ها می دید و از آن رنج می برد و همین درک، همیشه او را که شدیداً روحیه جمعی داشت، در کنار زحمت کشان قرار می داد. این حساسیت طبقاتی و روحیه جانب داری از محرومین، واکنش در مقابل ضد ارزش ها و علاقه به کار جمعی و همیاری که حتاً در محیط خانواده اش نیز آن را نشان می داد، در مجموع استعدادهای رفیق را در گرایش به تئوری انقلابی مارکسیسم لنینیسم تقویت کرده و به او انگیزه های قوی و عمیق مبارزاتی بخشیدند. با آغاز انقلاب، او در شمار نخستین سازمان دهندگان و فعالین اعتصابات دانش آموزی سال 56 قرار گرفت. ارتباط با فعالین اعتصابی مدارس دیگر، رد و بدل کردن اخبار مبارزاتی، کشاندن دسته های تظاهرات دانش آموزی به خیابان ها و حضور واقعی در صحنه مبارزات، او را وارد مرحله جدیدی از زندگیش نمود.

رفیق کوروش فعالیت سازمانی اش را ابتدا با هواداران "سازمان چریک های فدائی خلق" (پیشگام) آغاز کرد. در این رابطه او از هر آنچه می توانست، برای آموزش خود و رفقاییش در جهت پیش برد اصولی مبارزه، سود می جست و با ذهنی جستجو گر و پر تکاپو به دنبال درک درستی از آن بود. همچنین با تعصبات خام و کودکانه در میان برخی از نیروهای چپ نیز مبارزه می کرد. تمامی این خصائل زمینه ی مناسبی ایجاد نمود تا در مهر ماه سال 58 جزو اولین کسانی باشد که به " راه کارگر" پیوستند. آن گاه از طریق کمیته دانش آموزان هوادار " راه کارگر" و سپس با فعالیت در کمیته های محلی سازمان، از جمله کمیته غرب تهران، با جدیت به تبلیغ نظرات سازمان در میان توده ها، در فضای متلاطم جامعه آن روز همت گماشت. رفیق کوروش که با نام مستعار " عباس" فعالیت می کرد، با احساس مسئولیت کامل در

قبال وظایف محوله، روحیه ای شاداب و پرشور در مقابله با مشکلات و با انضباط و کار بی وقفه، در میان رفقاییش نمونه ی برجسته ای از خصائل کمونیستی بود.

در شهریور سال 60 رفیق دستگیر شده و بعد از 25 روز شکنجه توسط مزدوران که منجر به شکسته شدن دستش می شود، او را که با هشیاری لازم برخورد کرده بود آزاد می کنند. بعد از این دستگیری روحیه مبارز و اعتقاد عمیقش به راهش، باز هم قوی تر می گردد و مصمم تر پیش می رود تا سرانجام در 30 مهر همان سال با یورش وحشیانه رژیم به خانه اش، مجدداً دستگیر شده و در همان روز قهرمانانه در برابر جوخه اعدام می ایستد.